ضمیمه انترناسیونال ۶۱۲

**سازماندهی حزبی، شرایط جدید و ملزومات جدید**

اصغر کریمی

قبل از هرچیز میخواهم از شهلا دانشفر بخاطر کار پیگیر، پرحوصله و موثری که در تمام این سالها در زمینه سازماندهی در ایران انجام داده است قدردانی کنم.

حمید تقوایی پایه های بحث و تاریخچه بحث را توضیح داد اما نگران وقت بود و عملا خیلی از نکات مهمش را نتوانست توضیح بدهد. لازم است بعنوان یک اولویت خود این بحث، تئوری و تاریخچه اش تدوین شود و این کار حمید است. تدوین این بحث کمک موثری به سازماندهان و کادرهای این عرصه میکند.

شهلا دانشفر درمورد نحوه اجتماعی کار کردن ما در این زمینه مثلا در شرکت واحد یا در میان معلمان و غیره صحبت کرد. تماس با اکتیویست های این حرکات که اجتماعی کار میکنند برای ما مهم بود. مثل گذشته نیست که بگوییم یک حوزه داریم میرویم سراغ حوزه ببینیم در این عرصه چه میتواند بکند. رفتیم سراغ اکتیویست های این عرصه ها که حزبی هم نبودند اما در جناح چپ مثلا معلمان یا کارگران واحد بودند و از طریق آنها تلاش کردیم سیاست رادیکال تری را به میان آنها ببریم و از همین طریق است که عده ای از آنها به حزب و سیاست هایش نزدیک میشوند. این وجه مهمی از فعالیت ما است و به درجه ای که جا افتاده توانستیم در گزارش به پیشروی مان در عرصه جنبش کارگری اشاره کنیم. پیشروی ما محصول این نگرش و سازماندهی بر اساس پراتیک اجتماعی بوده است. اما من اینجا میخواهم بیشتر درمورد وجه سازماندهی حزبی صحبت کنم.

خود سندی که به پلنوم ارائه شده نکات متعددی دارد، وظایف ویژه کمیته سازمانده چیست، چگونه یک کمیته منسجم و حرفه ای در این زمینه شکل بدهیم، چه جزواتی نیاز داریم، چه برنامه های تلویزیونی در این زمینه نیاز داریم و نکات دیگر این سند که اینجا فرصت نیست وارد همه آنها بشویم. سند را حتما رفقا خوانده اند و امیدوارم تصویر روشنتری گرفته باشند. اما اینجا میخواهم چند نکته را تاکید کنم.

اول اینکه مبانی بحث ما خیلی هایش از بحث آژیتاتور تا برخی محورهای همین سند مباحثی قدیمی تر است و همچنان مبنای کار ما است. ولی با توجه به تحول سریعی که در تلنولوژی ارتباطی صورت گرفته، بعنوان مثال تلویزیونی که قبلا نداشتیم یا مدیای اجتماعی که پنج سال وجود نداشت، و همینطور تحولات مهمی که در اوضاع ایران و جنبش ها و توازن قوا و غیره رخ داده است، در نتیجه در زمینه سیاست سازماندهی باید بسیار منعطف برخورد کنیم. و مدام بازبینی کنیم ببینیم چه امکانات و ابزار جدیدی ایجاد شده و فعالین سیاسی و اجتماعی چگونه با این ابزارها کار میکنند. امروز حتی نسبت به دو سال قبل نسل جدیدی از مدیای اجتماعی درآمده که شش ماه دیگر مثلا فیس بوک کهنه میشود. قدیم پالتاک بود ولی الان متروکه شده و جای آنرا وایبر و تلگرام و چیزهای دیگری گرفته که ابزار مهمی برای سازماندهی است. در این زمینه ها فوق العاده عقب هستیم. یکی از دلایلی که علیرغم اینکه یک حزب بزرگ و شناخته شده داریم، ۱۱ سال است تلویزیون داریم، اهداف و برنامه روشنی داریم و با وجود تحرکات مهمی که در جامعه وجود دارد، راندامان ما کم است و از میزان پیشرفتمان ناراضی هستیم این است که خودمان را با شرایط جدید انطباق نداده ایم. مدتی است داریم تلاش بیشتری میکنیم، در کنگره نهم قطعنامه اش را دادیم و داریم تلاش میکنیم خودمان را با شرایط جدید مبارزه طبقاتی بیشتر منطبق کنیم. مشکل ما اما حتی از اینهم بیشتر است. ما حتی ابزارهای اولیه برای این عرصه را درست نکرده ایم. یک جزوه راهنما درست نکرده ایم که هر کس به حزب پیوست ببیند این حزب چی هست، ساختارش چیست، چگونه کار میکند، یا جزوه ای که یک فعال ببیند و فورا بفهمد چگونه کار میکنیم و عضو جدید چه باید بکند. یک جزوه ده صفحه ای نداریم که مبانی کار سازماندهی را به اکتیویست ها و فعالین حزب و یا اعضای تازه وارد توضیح بدهد. در نتیجه کار میکرو جای برجسته ای در کار ما پیدا کرده و کار ماکرو ما ضعیف است. و اینرا باید بلافاصله حل کنیم. الان با تک تک کسانی که جذب حزب میشوند باید وارد رابطه شد که کار حجیمی است واقعا و عملی هم نیست. یعنی باید علیرغم دشواری های مربوط به تماس با داخل با عضو جدید تماس گرفته شود و ذره ذره مسائل به او توضیح داده شود. تلویزیون ۲۴ ساعته داریم که برای فعالین و اعضای تازه برنامه هایش خیلی مفید است اما ما برنامه های ویژه ای مخصوص فعالین میخواهیم که موقعی که علاقمندان جدید تماس میگیرند بگوییم ساعت مثلا ۷ تا ۸ این برنامه را نگاه کن. کاری سطح بالا و جذاب و مفید که مطمئن باشیم بعد از یک ماه چند هزار نفری که باید کار ویژه ای با آنها صورت گیرد، بگویند اهداف و برنامه حزب را فهمیدیم، سیاست هایش را فهمیدیم و الان میدانیم چطور کار تشکیلاتی بکنیم. فرق حزب با جنبش ها و گرایشات دیگر را فهمیدم. الان اینرا نداریم. و موقعی که این ابزارهای سراسری را نداریم همه بار می افتد روی دوش چند نفر که از طریق تلفن و غیره جسته گریخته و با صرف وقت زیاد نکاتی را به رفقای داخل بگویند. طبعا کار سوزنی یا کار مستقیم با تک تک افراد اهمیت خود را دارد و در صورتی که این ابزارهای سراسری هم خوب کار کند با اینهمه به این نوع کار نیاز مبرم داریم اما در آن صورت با صرف وقت کمتری میتوان گیر و گرفت رفقای داخل را حل کرد و آنها را در عرصه ای که فعالیت میکنند هدایت کرد. در نتیجه این مساله حیاتی است و یک وجه مهم فعالیت ما را تشکیل میدهد. که فورا باید تا یک ماه دیگر جزوه راهنمای ورود به حزب و جزوه ای که مبانی کار تشکیلاتی را توضیح بدهد و برنامه ویژه تلویزیونی برای فعالین و سر گل های جامعه را آماده کنیم.

نکته دیگر شکل دادن به خود کمیته سازمانده است. ما بطور واقعی الان کمیته سازمانده نداریم. هر رفیقی به سلیقه خودش کار میکند. یکی میگوید الان کار مستقیما حزبی مهم نیست برو کار اجتماعی بکن و در جامعه جا بیفت. برو نهادی درست کن. و یکی برعکس روی روابط حزبی تاکید یکجانبه میگذارد. البته الان این دومی در کار رفقای ما بسیار کمرنگ شده است. ما به درست در سالهای گذشته به طرف کارهای اجتماعی و جذب اکتیویست ها روی آوردیم و پیشرفت هایی داشتیم ولی روی سازماندهی حزبی تاکیدمان کم بوده و از این نظر هم این سند نکات تازه ای دارد. میگوید اولین وظیفه این است که حزب را و تلویزیون و مدیا و نشریات و برنامه اش را معرفی کنی، دومین وظیفه این است که خودت را تکثیر کنی. یعنی اگر عضوی بعد از شش ماه تبدیل به یک جمع سه نفره نشد حتما رابطه را با او نگهداریم اما با کسی که بعد از سه ماه از فرد به یک جمع حزبی تبدیل میشود باید انرژی بیشتر صرف کرد و بیشتر روی این تیپ افراد کار کرد. و این کار را باید سیستماتیک انجام بدهیم. در کمیته سازمانده الان هر کس سبک خودش را دارد. بنابراین شکل دادن و درست کردن کمیته سازمانده هم یک اولویت این دوره ما است. لااقل ده نفر سازمانده روی خط نیاز داریم تا با رفقای داخل صحبت کنند. در غیاب این روشن است که راندمان کارمان پائین باشد.

یک نکته دیگر مدیای اجتماعی و شبکه های اجتماعی است و هر کادر حزب از خارج هم اگر عضو دو سه تا از این شبکه ها باشد میتواند نقش موثری داشته باشد و رفقای شناخته شده ما بویژه نقش خیلی مهمی میتوانند ایفا کنند. در این زمینه هنوز نزدیک به صفر هستیم و به شدت از تحولات جامعه و ابزارهای مدرن عقب افتاده ایم. این ابزار فقط برای تبلیغ نیست. با یکی از رفقا امروز صحبت میکردم میگفت حزب الان یک جور دیگر است حزب فقط حوزه ها و جمع های حزبی در یک کارخانه نیست. فیس بوک هم بخشی از حزب است. صدها نفر از دوستانمان که خیلی از آنها را هم نمیشناسیم مرتب دارند مطالب را در فیس بوک پخش میکنند و تبلیغ میکنند انگار اطلاعیه ای را کسی در محلی چاپ و پخش میکند. بنابراین این یک ابزار برای آشنا کردن و جذب به حزب و سازماندهی هم است. به حوصله زیادی هم نیاز دارد. در این زمینه باید شتاب برداریم و کلی امکانات هست که بتوانیم استفاده کنیم. اینطور نیست که فقط روابط حضوری مهم است در مدیای اجتماعی هم با آدم ها رابطه میگیری و بعد این به یک رابطه حضوری و راه اندازی یک فعالیت اجتماعی و حزبی هم تبدیل میشود.

حالا سوال این است که خود این سازمانده ها را چگونه ایجاد کنیم. فقط با این سند و یک جلسه یکی دو ساعته سازمانده درست نمیشود. باید یک سمینار دو سه روزه گذاشت، بیست سی رفیقی را که فکر میکنیم به این عرصه علاقمند هستند را صدا بزنیم و روی جنبه های مختلف فعالیت مان مفصل بحث کنیم و هم فکری و هم نظری عملی ایجاد کنیم. خود جزوات و برنامه های ویژه تلویزیونی هم قطعا به این مساله کمک میکند.

یک نکته دیگر شکل دادن به نهادهای علنی و نیمه علنی در داخل است. باید افقی مقابل ما باشد. نمیتوان همیشه به شیوه مخفی کار کرد. انواع نهادها، نشریات و کمپین ها و صفحات فیس بوکی و غیره شکل گرفته است و ما بعنوان حزب هم باید ببینیم چه نهادهای ویژه ای لازم داریم و برویم آنها را درست کنیم. بعضا هم درست کرده ایم و موفقیت هایی هم داشته ایم اما باید بطور متمرکز در این عرصه کار کنیم و تعداد قابل توجهی نهاد و صفحات ویژه و نشریات و غیره درست کنیم. برای این کار هم مرتبا به ایده های تازه و هم به یک نقشه احتیاج داریم.

یک نکته دیگر اینکه هر فردی به ما جذب میشود باید همان روز اول معلوم باشد که سازمانش کجا است و چه باید بکند. مثلا یک ماه دوره آشنا کردن او با حزب و فعالیت حزبی برایش گذاشته شود، او را بهتر بشناسیم، توانایی و علائقش را بشناسیم و بعد بلافاصله کارش را مشخص کنیم. و بعد تلاش کنیم توانایی او را بیشتر کنیم و او را تا سطح کادر ارتقا بدهیم. اگر نتوانیم کادر تربیت کنیم این سازماندهی ها سیال خواهد بود. روابط و جمع هایی برای ما ماندگار خواهد شد و به استخوانبندی حزب تبدیل میشود که در آن جمع ها و شبکه ها کادرهای روشن و مسلطی که فرق ما را با جنبش های دیگر میدانند و با چم و خم کار تشکیلاتی آشنا هستند و بویژه کار به سبکی اجتماعی را بلد هستند و فعال عرصه های اجتماعی و مبارزات جاری هستند، حضور داشته باشند. آنوقت میتوانیم امیدوار باشیم که در میان معلمان، کارگران مراکز مختلف، دانشگاه ها رفقایی هستند که دارند شبکه های حزب را توسعه میدهند و داریم رشد میکنیم.

امروز رفقایی در ایران داریم که در کالیبر رهبری حزب کار میکنند و سرمایه بسیار بزرگی برای حزب هستند و نقش بسیار مهمی در جنبش های اجتماعی دارند که متاسفانه اینجا نمیتوان مشخص تر درمورد آنها صحبت کرد. باید تلاش کنیم تعداد بیشتری از این نوع رفقا یعنی کادرهای استخوان خرد کرده را در داخل داشته باشیم که هم در جنبش های اعتراضی نقش مهمی دارند و هم شبکه های حزبی محکمی میسازند. در این صورت است که سازمان ما در داخل تحولی کیفی پیدا میکند.

بعنوان یک جمعبندی: سازماندهان ما تصویرشان منطبق بر اوضاع کنونی نیست. ابزار اولیه این فعالیت را نداریم. جنبه هایی از کار را باید کنکرت تر کنیم و با حضور در شبکه ها و نهادها و فعالیت های مبارزاتی مدام ایده های تازه برای راه اندازی فونکسیون های جدید داشته باشیم و نهادهای علنی و نیمه علنی لازم را ایجاد کنیم تا جهشی در سازمان حزب در داخل کشور ایجاد شود.